



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۸ جمادی الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۲۹

موضوع کلی: تهذیبین
موضوع جزئی: نکاتی در مورد تهذیبین

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

قبل از بررسی اعتبار روایات تهذیبین نکاتی را در مورد این دو کتاب عرض می‌کنیم و سپس به بررسی اعتبار روایات این دو کتاب؛ یعنی تهذیب و استبصار می‌پردازیم.

نکته اول:

نکته اول اینکه نحوه ذکر اسناد در این دو کتاب یکسان است؛ به این معنا که شیخ به طور کلی در این دو کتاب در بعضی از روایات همه سند را ذکر کرده و در بعضی از روایات ابتداء سند را حذف کرده که برای مشخص شدن سند باید به بخش مشیخه رجوع کرد؛ یعنی در واقع شیخ طوسی (ره) دو روش کتاب کافی و من لایحضره الفقیه را تلفیق کرده است چون عرض کردیم مرحوم کلینی در کافی غالباً اسناد را به طور کامل ذکر کرده و شیخ صدوق (ره) در من لایحضره الفقیه غالباً اسناد روایات را حذف کرده و بخاطر همین هم بود که بخش مشیخه را در آخر کتاب من لایحضره الفقیه اضافه کرد اما در تهذیبین شیخ طوسی از هر دو روش استفاده کرده، در قسمت‌های ابتدایی این دو کتاب سندهای کامل بیشتر مشاهده می‌شود و بر عکس در بخش‌های میانی و پایانی این دو کتاب غالباً ابتداء سند روایات حذف شده است، به هر حال چون تعداد زیادی از اسناد روایات این دو کتاب حذف شده لذا مرحوم شیخ طوسی بخشی را در آخر این دو کتاب آورده به نام بخش مشیخه که اتصال اسناد در آن بخش صورت گرفته است، شاید تعداد روایاتی که سندهای آنها به طور کامل در کتاب تهذیب الاحکام ذکر شده حدود ۳۱۹ روایت باشد که این تعداد هم بیشتر مربوط به باب‌های اول کتاب می‌باشد در حالی که حدود ۵۰۰۰ روایت متعارض در این کتاب ذکر شده است، پس شیخ طوسی در پایان کتاب تهذیب الاحکام و همچنین در پایان کتاب استبصار برای روشن شدن اتصال اسناد روایات از خودش تا صاحبان اصول و کتب معروفه بخشی را به عنوان بخش مشیخه آورده است.

سؤال: حذف اسناد روایات چه مزیتی داشته که اسناد را از متن روایات حذف کرده و سپس در بخشی به نام مشیخه آنها را ذکر می‌کرده‌اند؟

جواب: ذکر همه اسناد در متن روایات باعث تکرار اسناد و طولانی شدن کتاب می‌شده که برای دوری از تکرار و اختصار کتاب، مصنف اسناد را از متن روایت حذف و در بخش پایانی کتاب که مشیخه نام داشت ذکر کرده است.

مثلاً در یک روایتی شروع سند به این نحو است: «احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن سلیمان عن الحسین بن عمر قال: قلت لابی عبدالله (ع) کذا...» شروع این سند از احمد بن محمد بن عیسی است اما وقتی به کافی مراجعه می‌کنید می‌بینید که مرحوم کلینی سند را با نام خودش شروع کرده و گفته: «محمد بن یعقوب عن...» ولی در سندی که در استبصار آمده از شیخ طوسی تا احمد بن محمد بن عیسی، سند ذکر نشده است و این به خاطر این بوده که چون طریق شیخ طوسی تا احمد بن محمد بن عیسی معلوم بوده شیخ طوسی از ذکر همه سند خودداری کرده چون اگر شیخ طوسی می‌خواست سند همه روایاتی را که از کتاب احمد بن محمد بن عیسی ذکر کرده نقل بکند تکرار در سند پیش می‌آمد لذا برای پرهیز از تکرار سند روایات را با احمد بن محمد بن عیسی شروع کرده و بعد سند کامل را در بخش مشیخه که در پایان کتاب آورده ذکر کرده که با مراجعه به مشیخه، طریق شیخ طوسی (ره) تا احمد بن محمد بن عیسی معلوم می‌شود، در مشیخه شیخ طوسی این عبارت را ذکر کرده: «ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی»^۱ ما رویته بهذه الاسانید؛ یعنی اسنادی که به طور کلی از خود شیخ طوسی تا محمد بن یعقوب قبل از این در مشیخه ذکر شده عبارتند از این اشخاص که علت عدم ذکر نام این اشخاص در متن روایت عدم تکرار و اختصار بوده است.

نکته دوم:

با اینکه شیخ طوسی بخشی را در پایان تهذیبین به نام مشیخه آورده است اما متأسفانه در بخش مشیخه کتاب هم به نحو کامل طرق شیخ طوسی تا صاحبان اصول و کتب معروفه ذکر نشده است چون مشیخه تهذیبین مشتمل بر طریق شیخ طوسی به ۳۷ نفر از اصحاب اصول و کتب معروفه است و طبیعی است که این تعداد برای روشن کردن اسناد همه روایات تهذیبین کافی نیست، شیخ طوسی بخشی از اسناد را در مشیخه تهذیبین ذکر کرده و بخشی را هم ارجاع داده به کتاب فهرست خودشان؛ یعنی فرموده‌اند: برای روشن شدن طرق من به صاحب فلان کتاب یا صاحب فلان اصل به کتاب فهرست مراجعه بکنید. آن اسنادی که بیشترین روایات تهذیبین از آن‌ها نقل شده را در مشیخه تهذیبین آورده؛ یعنی طرقی که بیشترین روایات از آن طرق نقل شده است را در مشیخه تهذیبین آورده است اما راویانی را که در مشیخه ذکر نکرده و به کتاب فهرست ارجاع داده کسانی هستند که روایات کمتری از آن‌ها نقل شده ولی مشکلی که وجود دارد این است که باز هم راویانی هستند که با مراجعه به فهرست هم معلوم نمی‌شوند و نمی‌توان اتصال طریق شیخ طوسی به آن‌ها را کشف کرد. بعضی مثل مرحوم اردبیلی (م. ۱۱۰۱.ه.ق) در رساله خود به نام «رساله تصحیح الاسناد» سعی کرده اسانید تهذیب را از طرقی غیر از آنچه که در مشیخه تهذیبین و کتاب فهرست آمده تصحیح بکند و با بررسی اسناد موجود در این دو کتاب طرق دیگری را برای اتصال این اسناد پیدا کرده که البته محل نقد و اشکال هم واقع شده و بعضی به این روش اشکال کرده‌اند و گفته‌اند نمی‌توان به این اسانید به این شکل که مرحوم اردبیلی بیان کرده اعتماد کرد.

۱. استبصار، ج ۴، ص ۱۳.

خلاصه اینکه باید به این دو نکته توجه داشته باشیم که:

اولاً: روش ذکر اسناد در هر دو کتاب تهذیب و استبصار یکی و مشابه است.

ثانیاً: مشیخه تهذیبین که در هر دو کتاب یکسان است برای کشف تعلیقی که در اسناد وجود دارد کافی نیست و بعضاً به فهرست هم ارجاع داده شده ولی سند روایاتی که بیش از همه دارای طرق مشترک هستند را می توان با مراجعه به مشیخه معلوم کرد.

نکته سوم:

نکته سوم درباره شروح و حواشی است که بر تهذیبین نوشته شده است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی می فرماید: ۱۶ شرح و ۲۰ حاشیه بر کتاب تهذیب الاحکام نوشته شده است.^۱ مهمترین شروح تهذیب الاحکام عبارتند از: (۱) ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار که شانزده جلد است و توسط مرحوم علامه مجلسی نوشته شده است. (۲) غایه المرام که هشت جلد است و سید نعمت الله جزایری آن را نوشته است.

در مورد استبصار هم حدوداً ۱۸ شرح و حاشیه نوشته شده است.^۲ شروح و حواشی استبصار به اندازه شروح و حواشی تهذیب نیست چون کسی که بر تهذیب شرح نوشته و حاشیه زده در واقع استبصار را هم شرح کرده است چون استبصار تلخیص تهذیب الاحکام است، شرحی را نوهی شهید ثانی بر استبصار نوشته است به نام «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» و همچنین سید نعمت الله جزایری هم شرحی را بر استبصار نوشته است به نام «کشف الاسرار فی شرح الاستبصار».

نکته چهارم:

به دو نمونه از قضاوت‌هایی که راجع به کتاب تهذیب الاحکام شده اشاره می‌کنیم:

ابن ادريس حلی درباره شیخ طوسی می‌گوید: «ثم انه قد صَنَّفَ كُتُباً اَخْبَارِيَةً اَكْبَرُهَا تَهْذِيبُ الْاِحْكَامِ اُورِدَ فِيْهِ كُلُّ غَثٍّ وَ ثَمِينٍ» می‌گوید: شیخ طوسی کتاب‌های حدیثی نوشت که بزرگترین آن‌ها کتاب تهذیب الاحکام است که در این کتاب هر صحیح و نا صحیحی را وارد کرده است.^۳

مرحوم میرداماد می‌گوید: «وَالْعَلَّةُ فِيْ اَخْبَارِ كِتَابِي التَّهْذِيبِ وَ الْاِسْتِبْصَارِ مَتْنًا وَ سِنْدًا غَيْرُ نَادِرَةٍ»؛ یعنی ضعف و سستی در اخبار دو کتاب تهذیب و استبصار از حیث متن و سند کم نیست.^۴

بحث جلسه آینده: بررسی اعتبار و عدم اعتبار روایات تهذیبین بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. الذریعه، ج ۴، ص ۵۰۶-۵۰۴.
۲. همان، ج ۲، ص ۱۶-۱۴.
۳. سرائر، ج ۳، ص ۳۸۹.
۴. الرواشح السماویه، ص ۲۶۸.

